

بررسی سنت‌های تاریخی قرآن کریم و نقش آنها در جامعه‌سازی ایمانی

محمد زاهدی مقدم^۱

چکیده

قرآن کریم سرشار از سنت‌های تاریخی است که انتقال و به کارگیری آنها نقش بسزایی در هدایت انسان و جامعه‌سازی ایمانی دارد. این نوشتار با رویکرد توصیفی-تحلیلی در صدد پاسخ به این سؤال است که نقش سنت‌های تاریخی قرآن بر جامعه‌سازی ایمانی چیست؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد وحدت و یکپارچگی، دوری از اختلاف و ستیز، عبرت از شکست و پیروزی جوامع و تاریخ گذشتگان، دوری از طغیان و فساد، رعایت ارزش‌ها و معیارهای اخلاقی، امید به تشکیل حکومت صالحان و ... از جمله سنت‌های تاریخی قرآنی است که عمل کردن و به کارگیری آنها در هدایت انسان و ساخت جامعه ایمانی تأثیر بسزایی دارد. به کارگیری چنین سنت‌هایی، جامعه را در مسیر تعلیم و تربیت، ایجاد امید و امیدآفرینی به آینده، تشویق به همبستگی اجتماعی، شکل‌گیری هویت دینی، توجه به توحید و معاد و عمل به تکالیف و ارزش‌های اخلاقی و ... هدایت می‌کند. در سایه چنین جامعه‌ای که انسان می‌تواند به اوج عزت و کمال و صلاح و رشد برسد.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، سنت‌های تاریخی، جامعه‌سازی، جامعه‌ایمانی، عبرت‌آموزی.

^۱. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران. mzahedi4642@gmail.com

مقدمه

جامعه سعادت‌مند جامعه‌ای است که مردم آن برخوردار از ارزش‌های الهی، امنیت و آسایش همراه با رفاه باشند. پیشرفت‌های مادی اگر همراه با آرامش فکری و اطمینان خاطر نباشد، سعادت‌آور نیست. تنها چیزی که مردم را از چنین آرامش و اطمینانی بهره‌مند می‌سازد و نگرانی و اضطراب را از بین می‌برد، ایمان به خدا و ارزش‌های الهی است. ایمان به عنوان پایه اساسی زندگی فردی و اجتماعی، نقش محوری در شکل‌دهی رفتارها، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی ایفا می‌کند. هنگامی که افراد به اصول ایمانی پایبند هستند، اخلاقیات میان افراد جامعه رواج پیدا می‌کند، همکاری و تعاون در حل مسائل اجتماعی تقویت شده و به همبستگی اجتماعی می‌رسد؛ افراد نسبت به یکدیگر مسئولیت‌پذیرتر می‌شوند و احساس تعلق بیشتری به جامعه پیدا می‌کنند. برای شکل‌گیری چنین جامعه ایمانی بهترین راه تمسک به پیام‌ها و سنت‌های قرآنی به ویژه سنت‌های تاریخی قرآن است؛ سنت‌هایی که به کارگیری آنها در زندگی فردی و اجتماعی می‌تواند جامعه را در مسیر ایمان و کمال و صلاح و رشد قرار دهد. بنابراین جامعه‌سازی ایمانی به فرآیند ایجاد یک جامعه با ویژگی‌های مؤمنانه، اخلاقی و انسانی اشاره دارد. این جامعه بر مبنای اصول دینی و اخلاقی استوار است و هدف آن ارتقای شخصیت و فضیلت انسانی، همبستگی اجتماعی و عدالت است. از آنجایی که موضوع سنت‌های تاریخی قرآن و به کارگیری آنها در جامعه‌سازی ایمانی و توحیدی از موضوعات بسیار مهم قرآنی و اثرگذار است و کمتر پژوهشگری با این نگاه به این مسئله پرداخته است، از این رو ضرورت کار برای نویسنده محرز و انگیزه‌ای برای انجام این پژوهش شد. با جستجو در منابع، موضوعی با این عنوان "سنت‌های تاریخی قرآن کریم و نقش آنها در جامعه‌سازی ایمانی" یافت نشد. تنها آثاری که درباره سنت‌های تاریخی قرآن یافت شد می‌توان از کتاب «سنت‌های تاریخی قرآن شهید صدر یاد کرد، این اثر فاخر علمی به بیان برخی از سنت‌های تاریخی قرآن پرداخته و تفاوت قابل توجهی با پژوهش حاضر دارد. اثر شهید صدر بیشتر ناظر به بیان اصلاحات تاریخی، سنت‌ها و بیان سنت‌های تاریخی قرآنی است که این سنت‌ها با نمونه‌هایی که در این پژوهش آمده فرق بسیار زیادی دارد. علاوه بر اینکه نگاه این تحقیق فقط بیان سنت‌های تاریخی نبوده بلکه بیان نقش این سنت‌ها در جامعه‌سازی ایمانی نیز بوده است. اثر دیگر که در بخشی از آن از چند سنت تاریخی سخن به میان آورده، می‌توان به کتاب «آیات بینات» از استاد یعقوب جعفری اشاره کرد. در این کتاب نویسنده به پاره‌ای از سنت‌های الهی در تاریخ با رویکرد قرآنی اشاره کرده و بیشتر نگاه توصیفی و صرف بیان سنت‌هاست. در حالی که پژوهش حاضر علاوه بر بیان سنت‌های تاریخی در قرآن از نقش آنها در جامعه‌سازی ایمانی نیز یاد می‌کند.

این پژوهش به دنبال آن است تا با رجوع به منابع تفسیری-قرآنی، این موضوع را مورد بررسی و کنکاش خود قرار دهد و کاری نو به جامعه علمی تقدیم نماید. در ادامه به مهم‌ترین سنت‌های تاریخی قرآن و نقش آنها در جامعه‌سازی ایمانی اشاره می‌کنیم. در این پژوهش تنها ۵ مورد از این سنت‌ها مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

بررسی سنت‌های تاریخی در قرآن کریم

مفهوم‌شناسی سنت‌های تاریخی

در طول تاریخ همواره قوانین و سنت‌های ثابت الهی بر جوامع بشری حاکم بوده است. بنابراین با شناخت این قوانین و سنن الهی می‌توان تحولات اجتماعی و واکنش‌های تاریخی را پیش بینی کرد. از آیات متعدد قرآن کریم استفاده می‌شود که برخی قوانین بر تاریخ بشر حاکم است و از آن به عنوان سنت الهی یاد می‌شود، از این رو هنگام نقل حوادث تاریخی، ما را به عبرت‌گیری از سرنوشت گذشتگان دعوت می‌نماید.

حوادث و جریان‌های تاریخی نقل شده در قرآن کریم هرچند ناظر به یک گروه یا دوره تاریخی خاص است، ولی به آن قوم و قبیله یا تاریخ مشخص، اختصاص ندارد، بلکه همه انسان‌ها را در هر دوره تاریخی، در بر می‌گیرد و از آن به عنوان سنت خدای سبحان یاد می‌شود. در واقع آن چه در اصطلاح فلسفه، به نام نظام جهان و قانون اسباب خوانده می‌شود در زبان دین، سنت الهی نامیده می‌شود (مطهری، ۱۳۶۷: ۱۲۶). منظور از سنت، آن بخش از تدبیر و سازمان‌دهی خداوند است که استمرار و تکرار داشته باشد و رویه و روش دایمی (به تعبیر قرآن) غیرقابل تبدیل و تحویل خداوند است. سنت در این معنای وسیع خود، دربرگیرنده تمام موجودات، از جمله انسان و زندگی فردی و اجتماعی اوست و بر هر موجودی، در هر زمان و تحت هر شرایط، حکومت می‌کند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۶۲: ۳۹۰).

بنابراین سنت‌های تاریخی به مجموعه باورها، آداب و رسوم و شیوه‌های رفتاری گفته می‌شود که از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و در طول زمان در یک جامعه یا گروه خاص حفظ شده‌اند. در ادامه به برخی از این سنت‌های تاریخی در قرآن اشاره می‌شود:

۱. جامعه‌سازی ایمانی در گرو وحدت و یکپارچگی

وحدت و یکپارچگی در جامعه نقش بسیار حیاتی و اساسی دارد که به تقویت نهادهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کمک می‌کند. ایجاد و حفظ وحدت در جامعه نیاز به تلاش مستمر، گفتگو و احترام به اختلافات فرهنگی و نظری دارد تا همه بتوانند در یک فضای همدلانه و هم‌افزایی زندگی کنند. ایجاد وحدت و یکپارچگی نقش بسزایی در تقویت همدلی و هم‌افزایی، کاهش تنش‌ها و درگیری‌ها، تقویت قدرت مقابله با چالش‌ها، ارتقای توسعه و پیشرفت، ایجاد حس هویت ملی و فرهنگی و حفظ صلح و امنیت دارد. خداوند متعال در قرآن کریم وحدت و یکپارچگی را مهم‌ترین عامل برای جامعه‌سازی و تمدن‌سازی می‌داند که در هر زمانی و مکانی انجام پذیرد، تضادها و درگیری‌ها کم شده و جامعه به سوی هدایت و کمال حرکت می‌کند: «وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَلَوْ لَا كَلِمَةُ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَفُضِّي بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ» (در آغاز) همه مردم امت واحدی بودند؛ سپس اختلاف کردند؛ و اگر فرمانی از طرف پروردگارت (درباره عدم مجازات سریع آنان) از قبل صادر نشده بود، در میان آنها در آنچه اختلاف داشتند داوری

می‌شد (و سپس همگی به مجازات می‌رسیدند) (یونس / ۱۹). این آیه نشان می‌دهد انسان‌ها در آغاز جز یک گروه نبودند و بر اساس فطرت پاک خود، همه خدا شناس و موحد بودند و خبری از بت پرستی و شرک نبود. انحراف از توحید و افتادن در مسیر شرک بعدها پیدا شد و میان مردم دودستگی و اختلاف به وجود آمد: گروهی از مسیر توحید جدا شدند و گروهی باقی ماندند.

علامه طباطبایی در ذیل این آیه می‌فرماید: «... بروز اختلاف سرانجام به هرج و مرج منجر شده و انسانیت انسان را به هلاکت می‌کشاند یعنی فطرت او را از دستش گرفته سعادتش را تباه می‌سازد... اختلاف در احساسات و ادراکات باعث می‌شود که هدف‌ها و آرزوها هم مختلف شود و اختلاف در اهداف باعث اختلاف در افعال می‌گردد، و آن نیز باعث اختلال نظام اجتماع می‌شود و پیدایش این اختلاف بود که بشر را ناگزیر از تشریع قوانین کرد، قوانین کلیه‌ای که عمل به آنها باعث رفع اختلاف شود، و هر صاحب حقی به حقش برسد، و قانونگذاران را ناگزیر کرد که قوانین خود را بر مردم تحمیل کنند». علامه پس از بیان تفسیر آیه تنها راه رفع اختلاف را دین و عمل به آن می‌داند و می‌گوید: «تنها راه صحیح رفع اختلاف، راه دین است. و به همین جهت خدای سبحان (که انسانها را بهتر از خود انسانها می‌شناسد، چون خالق آنان است) شرایع و قوانینی برای آنان تاسیس کرد، و اساس آن شرایع را توحید قرار داد، که در نتیجه هم عقاید بشر را اصلاح می‌کند و هم اخلاق آنان، و هم رفتارشان را، و به عبارتی دیگر اساس قوانین خود را این قرار داد که نخست به بشر بفهماند حقیقت امر او چیست؟ از کجا آمده؟ و به کجا می‌رود؟ و اگر می‌رود باید در این منزلگاه موقت چه روشی اتخاذ کند؟ که برای فردایش سودمند باشد؟» (موسوی همدانی، ۱۳۷۴: ۲/۱۸۰). در ادامه آیه خداوند می‌فرماید: «اگر سخنی از خداوند پیشی نگرفته بود، میان آنها در آنچه اختلاف می‌کردند، داوری می‌شد»، این فراز از آیه نشان می‌دهد که کار خداوند بنابر جبر نیست، بلکه بنابر هدایت و فراهم کردن ابزار خویش است. لازمه این سخن این است که انسان دارای اختیار باشد و با آزادی و اراده، راه خود را انتخاب کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۵۱/۸-۲۵۲؛ جعفری، ۱۳۹۷: ۱۶). از آنجایی که انسان دارای استعدادهای فراوانی است و همواره قابلیت تکامل دارد، لازم است تا خداوند برای او در هر زمانی و مکانی دینی و قانونی درخور پاسخ به خواسته‌های او بفرستد تا نیازهای او را برطرف و او را در مسیر انجام خیرات و کارهای نیک قرار دهد و سعادت و کمال او را تضمین کند: «لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمَنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ» ما برای هر کدام از شما، آیین و طریقه روشنی قرار دادیم؛ و اگر خدا می‌خواست، همه شما را امت واحدی قرار می‌داد؛ ولی خدا می‌خواهد شما را در آنچه به شما بخشیده بیازماید؛ (و استعدادهای مختلف شما را پرورش دهد). پس در نیکی‌ها بر یکدیگر سبقت جوید! بازگشت همه شما، به سوی خداست؛ سپس از آنچه در آن اختلاف می‌کردید؛ به شما خبر خواهد داد» (مائده / ۴۸). بنابراین انسان در سایه

رهنمودهای الهی و با شکوفا ساختن استعداد های خود در مسیر وحدت و یکپارچگی قرار خواهد گرفت و در نتیجه به ساخت جامعه‌ی ایمانی ختم خواهد شد.

خداوند در آیات دیگری عامل سقوط جوامع را از بین رفتن اتحاد و تفاهم و پیدایش اختلاف در میان مردم می‌داند؛ راه همبستگی و اتحاد را نیز اطاعت از خداوند و رسول او و چنگ زدن به ریسمان الهی می‌داند. در این آیات خداوند اختلاف و پراکندگی، نزاع و مخاصمه را عامل مهمی در پاشیدگی جامعه و تلف شدن نیرو و توان جامعه می‌داند: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...» (آل عمران/ ۱۰۳). در آیه دیگر می‌فرماید: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال/ ۴۶) در آیه دیگر نیز آمده است: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (آل عمران/ ۱۰۵). مصادیقی در قرآن و تاریخ وجود دارد که نشان می‌دهد اختلاف از عوامل مهم پراکندگی و افول تمدن‌ها و ملت‌های موفق بوده است. امت اسلامی از جمله این ملت‌ها بود که پس از رحلت پیامبر دچار انشقاق و اختلاف شد، به تدریج فزونی یافت و به جنگ‌های داخلی منجر گردید (جرجانی، ۱۳۲۵: ۳۷۶/۸). این اختلافات سبب شد تا پیکره جهان اسلام تکه تکه شده و به فرقه‌های مختلف تقسیم شود و تاکنون نیز ادامه دارد (حر عاملی، ۱۳۸۰: ۳۱/۱۸). نتیجه این اختلافات علاوه بر خون‌ریزی‌ها و جنگ‌های داخلی بین مسلمانان سبب شد تا اهداف و اندیشه‌ها دین اسلام و سنت نبوی آن‌چنان که مورد نظر پیامبر بود، در جهان منتشر نشود و نتواند قلب میلیون‌ها انسان در سرتاسر عالم را به این اندیشه‌ها مجذوب و زیر لوای توحید قرار دهد.

۲. جامعه‌سازی ایمانی در گرو پرهیزگاری و دوری از تکذیب اندیشه‌های توحیدی

یکی از سنت‌های تاریخی قرآن پرهیزگاری و دوری از تکذیب اندیشه‌های انبیا و نعمت‌های الهی است. سنتی که نهادینه شدن آن در منظومه فکری انسان‌ها در کنار دیگر سنت‌های الهی، به شکل‌گیری جامعه ایمانی و تقویت باورهای توحیدی کمک می‌کند و اسباب ایجاد یک جامعه با اخلاق و همبسته را فراهم می‌کند؛ جامعه‌ای که افراد آن را به سوی آرامش، قدرت داخلی و جهت‌گیری صحیح در زندگی سوق می‌دهد. در نقطه مقابل، تکذیب اندیشه‌ها و نعمت‌های الهی می‌تواند موجب انحراف از راه حق و در نتیجه گمراهی فرد و جامعه شود. قرآن به صراحت بیان می‌کند که بی‌توجهی به نشانه‌های الهی و انکار نعمت‌های او، نه تنها سبب دوری از رحمت الهی می‌شود، بلکه به تبعات منفی در زندگی فردی و اجتماعی نیز منجر خواهد شد: «وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ* ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّى عَفَوْا وَقَالُوا قَدْ مَسَّ آبَاءُنَا الضَّرَّاءُ وَالسَّرَّاءُ فَأَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ* وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» هیچ پیامبری را در شهری نفرستادیم مگر آنکه اهلش را [پس از تکذیب آن پیامبر] به تهیدستی و

سختی و رنج و بیماری دچار کردیم، باشد که [به پیشگاه ما] فروتنی و زاری کنند. سپس (هنگامی که این هشدارها در آنان اثر نگذاشت)، نیکی (و فراوانی نعمت و رفاه) را به جای بدی (و ناراحتی و گرفتاری) قرار دادیم. آنچنان که فزونی گرفتند، (و همه‌گونه نعمت و برکت یافتند، و مغرور شدند، و گفتند: «تنها ما نبودیم که گرفتار این مشکلات شدیم؟) به پدران ما نیز ناراحتیهای جسمی و مالی رسید. چون چنین شد، آنها را ناگهان (به سبب اعمال‌شان) گرفتیم (و مجازات کردیم)، در حالی که نمی‌فهمیدند. و اگر اهل شهرها و آبادیها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم؛ ولی (آنها حق را) تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمال‌شان مجازات کردیم» (اعراف/۹۴-۹۶). این آیات نشان می‌دهند که انسان‌ها به هنگام خوشی و برخورداری، از خداوند غافل می‌شوند و خود را بی‌نیاز می‌بیند. این بی‌نیازی نه تنها آنها را از یاد خداوند غافل کرده؛ بلکه در مقابل پیامبران الهی صف‌آرایی می‌کردند. خداوند در مقابل این صف‌آرایی اشراف و غافلان آنها را دچار سختی‌هایی می‌کرد تا آنها را از خواب غفلت بیدار کرده و تحت لوای ایمان قرار بگیرند و به همان میزان از برکات الهی برخوردار شوند. در این مرحله است که جامعه، هم از نظر تعداد جمعیت و هم از نظر رفاه و برخورداری فزونی می‌یابد و امکانات بسیاری فراهم می‌شود و پیشرفت‌های مادی و معنوی به وجود می‌آید و فتوحاتی حاصل می‌گردد (جعفری، ۱۳۹۷: ۲۲-۲۳). بنابراین رفاه زدگی و برخورداری، می‌تواند انسان را از خداوند و معنویت دور کند تا جایی که متکبرانه، پیشرفت‌ها و نعمت‌هایی که دارد از خود بداند و خود را عامل پیشرفت آنها بداند (فصلت/ ۵۰). برای نمونه قارون ثروت افسانه‌ای خود را در عصر حضرت موسی علیه السلام از خود می‌دانست و می‌گفت: «قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي؛ همانا آن بر اساس دانشی که نزد من است، به من داده شده است» (قصص/ ۷۸). در مقابل مردان با تقوا و الهی همه موفقیت‌های خود را از خداوند و انبوهی نعمت‌ها را آزمایشی از جانب او می‌دانند؛ مانند حضرت سلیمان که گفت: «قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ؟ گفت: این از فضل پروردگار من است، تا مرا آزمایش کند که آیا شکر او را بجا می‌آورم یا کفران می‌کنم؟!» (نمل/ ۴۰).

پس جامعه بر اثر ایمان به خدا و عمل به دستورات پیامبران الهی از سختی‌ها عبور کرده، بدی‌ها را به خوشی تبدیل کرده و به همین میزان از جهت عده و عده فزونی می‌یابند و در مسیر سعادت و پیروزی قرار می‌گیرد. با غفلت نیز تمام این نعمت‌ها را از دست می‌دهند، برکت‌های آسمانی برایشان نازل نمی‌شود و عذاب الهی را برای خود به دنبال می‌آورند و جامعه خود را در مسیر افول و شکست قرار می‌دهند.

۳. جامعه‌سازی ایمانی در سایه امیدآفرینی و امید به تشکیل حکومت صالحان

یکی از سنت‌های بسیار مهم و تخلف‌ناپذیر الهی این است که بشر در تاریخ حیات خود سرانجام به مرحله‌ای خواهد رسید که از حکومت ستمگران و خودکامگان رهایی خواهد یافت؛ سنتی که در تمام دوران تاریخ آرزوی همه انبیا و

صالحان بوده و با امید به همین اندیشه، تمام تلاش خود را به کار گرفتند تا بستری ایمانی برای جوامع خود ایجاد کنند و جهان را آماده برای تشکیل یک حکومت فراگیر و جهانی با اندیشه توحیدی کنند. امید و پابندی به چنین اندیشه‌ای همه انسان‌های موحد را در هر کجای عالم به صف می‌کند تا بستر ظهور آن منجی را فراهم و جامعه را به سمت و سوی تشکیل چنین حکومتی رهنمون سازد. خداوند متعال در آیات مختلفی از قرآن کریم مژده و وعده چنین حکومتی را به عنوان واپسین حرکت تاریخ داده است. در سوره انبیاء آیه ۱۰۵ و ۱۰۶ می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ* إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ»: در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: «بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد! در این، ابلاغ روشنی است برای جمعیت عبادت‌کنندگان!». پیام این آیات رسا، نویدبخش، حرکت‌ساز و امیدآفرین و موجب تقویت روحیه مؤمنان است. خداوند متعال تشکیل چنین حکومت جهانی را به عنوان مهمترین حرکت امید آفرین تاریخی در کتاب‌های آسمانی مختلفی مانند زبور داوود، کتاب‌های آسمانی مانند تورات (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸: ۳/۲۷۹) و از همه مهمتر در لوح محفوظ خود بیان و ثبت و ضبط کرده است؛ (مکارم شیرازی، ۱۴۲۶: ۷/۲۹۰) حادثه عظیمی که قطعی و غیر قابل تغییر است.

ارث بردن صالحان از زمین - که حاکی از تشکیل حکومت جهانی و عدل گستر است - در آیات دیگر نیز آمده است: «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ» زمین از آن خداست، و آن را به هر کس از بندگان که بخواهد، واگذار می‌کند. (اعراف/۱۲۸). نکته‌ای که بیان آن در این آیات مهم است این است که این آیات، تنها از گذشته سخن نمی‌گویند که بگوئیم گذشته با همه تلخی و شیرینی‌هایش گذشته است و دیگر باز نمی‌گردد، و سخن از آن بیهوده است. بلکه از امروز و آینده نیز سخن می‌گویند، که اگر بار دیگر به سوی خدا آئید، پایه‌های ایمان را محکم کنید، اندیشه‌ها را بیدار سازید، تعهدها و مسئولیت‌هایتان را به یاد آرید، دست‌ها را به یکدیگر بفشارید، بپاخیزید و و فریاد کشید، و بخروشید، و بجوشید قربانی دهید و جهاد کنید، و تلاش و کوشش را در همه زمینه‌ها بکار گیرید، باز هم آب رفته به جوی آید، روزهای تیره و تاریک سپری شود، افق درخشان و سرنوشتی روشن در برابر شما آشکار می‌گردد، و مجد و عظمت دیرین در سطحی عالی‌تر تجدید خواهد شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۷/۲۱۲).

بنابر این بندگان برای شکل‌گیری چنین حکومتی باید این پیام را دریافت نمایند که هم می‌بایست در بندگی خالص شوند (علامه طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ۲/۶۷-۶۸) و از مرحله‌ی بندگی کلی و عام «عابدین» به مرحله بندگی ویژه «عبادی» برسند و هم باید در ایجاد صلاحیت (قرائتی، ۱۳۸۸: ۵۰۴) و بسترسازی برای جامعه ایمانی بکوشند و این شدنی نیست مگر در سایه امید به آینده‌ای روشن و پرفروغ. در سایه چنین امید و اندیشه‌ای است که پیروزی حق بر باطل و غلبه مکتب انبیا بر مخالفان قطعی خواهد بود: «كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» خداوند چنین مقرر داشته که من و رسولانم پیروز می‌شویم؛ چرا که خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است! (مجادله / ۲۱).

بنابراین جامعه‌سازی ایمانی در سایه امید به تشکیل حکومت صالحان باعث شکل‌گیری الگویی مثبت از همکاری و همبستگی در میان افراد جامعه می‌شود. افرادی که به اصول ایمانی پایبندند، با امید به آینده‌ای بهتر، می‌توانند در راستای برپایی جامعه‌ای عادلانه و صالح تلاش کنند. ممکن است در اینجا سؤالی شود که این پیروزی کی و به دست چه کسی یا کسانی تحقق می‌یابد؟ پاسخ به این سؤال در روایات زیادی از شیعه و سنی آمده است. طبق این روایات کسی که پرچم این حکومت جهانی و توحیدی را به دست خواهد گرفت و براساس حق و عدل و قرآن این حکومت را شکل می‌دهد حضرت مهدی (عج) است که وارث زمین خواهد شد (ن ک: صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱: ۱/۱۵۰).

۴. جامعه‌سازی ایمانی با عبرت‌گیری از حوادث تاریخ

یکی از عناصر تاریخ‌ساز و جامعه‌ساز، سنت عبرت‌گیری از حوادث تاریخی قرآن و تاریخ پیشینیان است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ؛ در سرگذشت آنها درس عبرتی برای صاحبان اندیشه بود!» (یوسف/۱۱۱). امیر مؤمنان حضرت علی علیه‌السلام در خطبه ۱۹۲ همه انسان‌ها را به عبرت‌گیری از آنچه بر ملت‌های مستکبر گذشته، از عذاب الهی و کفر و عقوبت‌ها رسیده، رهنمون می‌سازد (سید رضی، ۱۴۱۴ق: خطبه ۱۹۲).

قرآن به عنوان مهمترین منبع دینی و معرفت‌شناختی، سرشار از درس‌ها و تجربه‌های متفاوت تاریخی است که می‌تواند به ما در ساختن جامعه‌ی ایمانی کمک کند. شناسایی الگوهای موفق، شناسایی نقاط قوت و ضعف ملت‌ها و دولت‌ها، عوامل شکست و ناهنجاری‌ها در جوامع مختلف، آگاهی از تاریخ انبیاء و ائمه علیهم‌السلام، شناخت ارزش‌های انسانی و دینی در جوامع بشری و ... از جمله درس‌هایی است که می‌توان از حوادث تاریخی قرآن به عنوان یک سنت تاریخی انسان‌ساز و جامعه‌ساز استفاده کرد. عبرت‌گیری از تاریخ به ایجاد همبستگی اجتماعی، تقویت همدلی و همیاری، ایجاد فرهنگی غنی، ایجاد امیدآفرینی و امید به بهبود آینده، ترویج ارزش‌های انسانی و دینی و در نتیجه شکل‌گیری جامعه ایمانی کمک می‌کند.

از جمله عبرت‌های تاریخی قرآنی دوری از بت‌پرستی، دوری از تکذیب و مخالفت با پیامبران، دوری از ظلم و ستم و ایمان به آخرت است. سنت‌هایی که هر کس پایبند به آنها باشد و به آنها عمل کند، هرگز در مسیر افول و سقوط فردی و اجتماعی قرار نمی‌گیرد و از خشم و عذاب پروردگار عالم دور خواهد ماند. خداوند در آیات مختلفی از قرآن کریم از این سنت‌ها سخن به میان آورده است برای نمونه به برخی از این آیات اشاره می‌کنیم. در سوره انبیاء آیه ۱۱ می‌فرماید: «وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ؛ چه بسیار آبادیهای ستمگری را در هم شکستیم؛ و بعد از آنها، قوم دیگری روی کار آوردیم!» (انبیاء/۱۱) این آیه نشان می‌دهد هلاکت بدنبال ظلم، یک سنت الهی است و هر کس این قانون را بشکند و در مسیر ظلم و ستم پا نهد و آن را سیره و روش خود قرار دهد، حتما

خداوند او را درهم خواهد شکست. در آیه دیگری به همین مضمون می‌فرماید: «فَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا؛ چه بسیار شهرها و آبادی‌هایی که آنها را نابود و هلاک کردیم در حالی که (مردمش) ستمگر بودند، بگونه‌ای که بر سقف‌های خود فرو ریخت! (نخست سقف‌ها ویران گشت؛ و بعد دیوارها بر روی سقف - ها!)» (حج / ۴۵) این آیه هم نشان می‌دهد حاکمان و جوامعی که ظلم و ستم روش و سیره آنها است، نابودی و زوال آنها قطعی است و این قهر الهی می‌تواند در همه دوران تاریخ، ساری و جاری شود. البته خداوند متعال مهلت و فرصت‌های زیادی به جوامع ظالم می‌دهد تا از ظلم و ستم دست بردارند و در مسیر ایمان و عدل حرکت کنند. قهر الهی زمانی شامل حالشان می‌شود که نصایح الهی را گوش نداده، انبیاء را تکذیب کرده، عقول را تعطیل نموده و از عبرت‌ها درس نگرفته باشند؛ در چنین زمانی است که گرفتار بلاها و هلاکت می‌شوند. خداوند متعال در این باره می‌فرماید: «وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَمَلَّيْتُ لَهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ ثُمَّ أَخَذْتُهَا وَإِلَى الْمَصِيرِ؛ و چه بسیار شهرها و آبادی‌هایی که به آنها مهلت دادم، در حالی که ستمگر بودند؛ (اما از این مهلت برای اصلاح خویش استفاده نکردند) سپس آنها را مجازات کردم؛ و باز گشت، تنها بسوی من است!» (حج / ۴۸).

برای رهایی از ظلم و ستم اندیشه آخرت‌باوری از جمله راه‌هایی است که قرآن به عنوان یک سنت قرآنی پیش و روی جامعه ایمانی قرار می‌دهد. بنابر این کسانی که به آخرت و خداوند ایمان دارند، عبرت‌آموزی و عبرت‌گیری از اقوام گذشتگان را برای خود یک سنت هدایت‌گر قرار داده و از آن برای ساخت جامعه ایمان کمک می‌گیرد. آنها به خوبی می‌دانند اگر جامعه آنها بخواهد در مسیر صلاح و رشد قرار بگیرد و از از قهر الهی دور شود نباید به سمت کارهایی مانند بت‌پرستی و ظلم و ستم بروند که گذشتگان انجام دادند و در نتیجه عذاب الهی شامل حال آنها شد. در سوره هود آیات ۱۰۰ تا ۱۰۴ خداوند متعال بعد از آنکه از عذاب برخی قوم‌ها خبر می‌دهد، به این مسأله آخرت‌باوری و تقویت آن و نیز دوری از بت‌پرستی اشاره می‌کند و آن را تنها راه رهایی از عذاب و قهر خود می‌داند: «ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْفَرَى نَقُصُّهُ عَلَيْكَ مِنْهَا قَائِمٌ وَحَصِيدٌ * وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَمَا أَغْنَتْ عَنْهُمْ آلِهَتُهُمُ الَّتِي يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ لَمَّا جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَمَا زَادُوهُمْ غَيْرَ تَتْبِيبٌ * وَكَذَلِكَ أَخَذَ رَبُّكَ إِذَا أَخَذَ الْفَرَى وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنْ أَخَذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ * إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَةٌ لِمَنْ خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ ذَلِكَ يَوْمٌ مَجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَشْهُودٌ * وَمَا تُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مُعَدُّودٍ؛ این از اخبار شهرها و آبادی‌هاست که ما برای تو بازگو می‌کنیم؛ که بعضی (هنوز) برپا هستند، و بعضی درو شده‌اند (و از میان رفته‌اند)! ما به آنها ستم نکردیم؛ بلکه آنها خودشان بر خویشتن ستم روا داشتند! و هنگامی که فرمان مجازات الهی فرا رسید، معبودانی را که غیر از خدا می‌خواندند، آنها را یاری نکردند؛ و جز بر هلاکت آنان نیفزودند! اینچنین است مجازات پروردگار تو، هنگامی که شهرها و آبادی‌های ظالم را مجازات می‌کند! (آری)، مجازات او، دردناک و شدید است! در این، نشانه‌ای است برای کسی که از عذاب آخرت می‌ترسد؛ همان روزی است که مردم در آن جمع می‌شوند، و روزی که همه آن را مشاهده می‌کنند. و ما آن (مجازات) را، جز تا زمان

محدودی، تأخیر نمی‌اندازیم!» (هود/ ۱۰۰-۱۰۴) این آیات، پس از آیاتی از سوره هود قرار دارد که در آنها هفت قصه از داستان‌های گذشته و امت‌های آنان را ذکر می‌کند. و نشان می‌دهد جامعه‌ای که ستم و بت پرستی، اصرار بر گناه و کفر و مخالفت با پیامبران الهی را در پیش بگیرند جامعه‌ای مرده و در نتیجه مستحق عذاب و هلاکت است. در مقابل جوامعی که از بت پرستی و ظلم و ستم دوری کند و اندیشه توحیدی و ایمان به آخرت را در پیش بگیرد، در مسیر صلاح و رشد و در نتیجه جامعه‌ای زنده و پویا خواهد بود.

۵. جامعه‌سازی ایمانی در گرو رعایت ارزش‌ها و معیارهای اخلاقی

یکی از سنت‌های تاریخی قرآن که می‌تواند به جامعه‌سازی ایمانی و توحیدی کمک شایانی کند، عمل به معیارها و ارزش‌های اخلاقی و انسانی است. یعنی برای ایجاد یک جامعه‌ای پایدار و سالم، لازم است که افراد و گروه‌ها به اصول و ارزش‌های اخلاقی پایبند باشند. این اصول و ارزش‌ها به عنوان چارچوب‌های اخلاقی، مبنای رفتارها، ارتباطات و تعاملات اجتماعی را شکل می‌دهند. بدون تردید رعایت ارزش‌های اخلاقی در جامعه، تأثیر بسزایی در تقویت اعتماد عمومی، کاهش ناهنجاری‌ها و توسعه همبستگی اجتماعی دارد. از جمله اصول و ارزش‌های اخلاقی که در جامعه‌سازی ایمانی و توحیدی اثرگذار است و در آیات مختلفی از قرآن بدان اشاره شده است، می‌توان به تقوا، عدالت، راستی و صداقت، نوع دوستی، مسئولیت‌پذیری و احترام به دیگران اشاره کرد. در مقابل، رواج بی‌عدالتی، فساد، فسق و فجور و گناه، سرپیچی از فرامین الهی، بخل، عیب‌جویی، تکبر، تجاوز و ... جامعه را به سوی سقوط و افول و گاهی نابودی کامل سوق می‌دهد. در آیه ۱۰ تا ۱۶ سوره قلم و ۸ تا ۱۱ سوره لیل خداوند نزول عذاب خود را به انجام برخی از انحرافات اخلاقی و روحیات ضد معنوی گره زده است و در آنجا تصریح می‌کند که عیب‌جویی، سخن چینی، بازداشتن مردم از انجام کار نیک، تجاوزگری، تکبر و غرور به مال دنیا، بخل و تکذیب کارهای نیک و خوب از جمله عوامل نزول بلاست. در آیه ۳۴ سوره عنکبوت نیز خداوند فساد اخلاقی و جنسی جامعه لوط را عامل هلاکت و انحطاط دانسته است و می‌فرماید: «إِنَّا مُنْزِلُونَ عَلَىٰ أَهْلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ؛ ما بر اهل این شهر و آبادی به خاطر گناهانشان، عذابی از آسمان فرو خواهیم ریخت!». این آیات نشان می‌دهد که عملکرد انسان، در طبیعت و جامعه تأثیرگذار است. همان‌گونه که عمل خوب، باعث نزول نعمت و رحمت و در نتیجه جامعه‌ای زنده و پویا می‌شود؛ گناهان نیز موجب نابودی نعمت‌ها و تبدیل آن به عذاب و در نتیجه افول جامعه و سقوط آن می‌شود. غالباً بدبختی جوامع مرده و رو به افول، غفلت و عدم عمل به تذکرات الهی و نیز غوطه‌وری در گناه و معصیت و تعطیلی عقل و هوش است؛ از این رو به زشتی کارهای خود پی نمی‌برند و در فکر اصلاح خود نیستند. در نگاه آنها اعمال زشت و ناپسند ارزش شمرده شده، و کارهای نیک و انسانی ضد ارزش زینت داده می‌شود (شیخ طوسی، بی‌تا: ۹۷/۷) و فکر می‌کنند که راه درست را طی می‌کنند: «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا* الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ

الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا؛ بگو که آیا می‌خواهید شما را بر زیانکارترین مردم آگاه سازیم؟ (زیانکارترین مردم) آنها هستند که (عمر و) سعی‌شان در راه دنیای فانی تباه گردید و به خیال باطل می‌پنداشتند که نیکوکاری می‌کنند» (کهف/ ۱۰۳-۱۰۴).

این آیه در حقیقت خطابش به پیامبر و نیز تهدید جامعه بت‌پرستی است؛ جامعه‌ای که ارزش‌های اخلاقی را رعایت نکرده و به پرستش بتان پرداخته و نافرمانی از فرامین الهی و دستورات پیامبر را در دستور کار خود قرار دادند. این آیه بت‌پرستان را تهدید می‌نماید به این که اندیشه و اعمال آنان سبب بعد و محرومیت آنان از مقام انسانیت خواهد بود؛ زیرا بشر به حکم خرد و عقل پیوسته در طلب سعادت و نیک‌بختی می‌کوشد و هرگز بضرر و زیان خود اقدام نمی‌کند و چنانچه مقصد و هدفی در پیش گیرد و بدان سو رهسپار گردد هر لحظه که به آن مقصد نزدیک شده از مقاصد دیگر بازمانده و اعراض نموده است و چنانچه سعی و کوشش خود را صرف توجه به مقصد کند ولی از نظر جهالت در برگزیدن طریق به‌خطا تطبیق کند؛ چون طالب حق بوده، ناگزیر ضلالت او عملی و مستضعف معرفی می‌شود و خسارت و زیان او قابل تدارک و سیر او قابل بازگشت است که طریقه سعادت و حقیقت را بیاموزد و از آن پیروی نماید.

در همین آیه، ضلالت حقیقی بر اساس دو ضلالت یعنی خطاء در عمل و پیروی از خواسته‌ها و هوس‌ها است و دیگر ضلالت در عقیده؛ به این که ضلالت را سعادت و گمراهی را هدایت پندارد. این دعوی بر اساس آن است که انسان دارای دو نیروی روانی و جوارحی است و افعال اختیاری نیز در اثر اینکه بر پایه این دو نیرو نهاده شده حرکت ذاتی و روانی خواهد بود و کمال و سعادت انسانی بر تحکیم رابطه با آفریدگار استوار است؛ یعنی ایمان به توحید و به ارکان آن و تصدیق عملی و جوارحی و قیام به اداء وظایف الهی است؛ به همین قیاس محرومیت از سعادت بر دو رکن استوار است: ضلالت اعتقادی و دیگر ضلالت عملی و جوارحی و حقیقت ضلالت همان قطع رابطه اعتقادی و ناسپاسی از نعمت‌های آفریدگار است؛ یعنی انکار دلایل توحید و انکار آیات قرآنی و تکذیب دعوت رسول گرامی صلی الله علیه و آله و انکار قیامت که بر اساس خودستائی و غفلت از مسیر و از غرض خلقت خواهد بود. همچنین اگر طریقی را که می‌پیماید، با اینکه دلایل حق بسیار است، طریقی ضلالت و هوی نفس بوده اما آن را طریقی سعادت پندارد، این ضلالت حقیقی است که از حق و دلایل آن گریزان و از پیروی آن رو گردان است و تا هنگام که بر این اندیشه باشد، محکوم به خسران خواهد بود؛ زیرا ضلالت صفت روانی او است. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۱۰/ ۳۳۸).

نتیجه‌گیری

قرآن کریم جامع‌ترین و برترین سنت‌ها و دستورالعمل‌ها را برای هدایت انسان‌ها و جامعه‌سازی ایمانی ارائه می‌دهد. عمل به سنت‌های تاریخی قرآن انسان را در مسیر سعادت و کمال قرار می‌دهد و به او کمک می‌کند تا با به کارگیری آنها جامعه‌ای ایمانی و کمال‌گرا را شکل دهد. از جمله سنت‌های تاریخی قرآن که عمل و به کارگیری آنها نقش

بسیاری در شکل‌دهی جامعه ایمانی و توحیدی دارد می‌توان به وحدت و یک‌پارچگی، دوری از اختلاف، پیروی از فرامین الهی و اندیشه‌های انبیا و دوری از تکذیب آنان، دوری از گناه و فساد، رعایت پرهیزگاری، رعایت ارزش‌های و معیارهای اخلاقی، عبرت‌گیری از حوادث تاریخ، امیدآفرینی و امید به تشکیل حکومت صالحان و ... اشاره کرد. تنها در چنین جامعه ایمانی است که در صورت شکل‌گیری آن انسان می‌تواند در مسیر صلاح و رستگاری، هدایت و کمال‌قرا بگیرد و با ایمان به خدا در مسیر ایجاد عدالت، صلح، برادری، تعاون و همبستگی اجتماعی و در نتیجه ارتقای شخصیت و فضیلت انسانی خود قدم بردارد.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. جرجانی، سید شریف، (۱۳۲۵ق)، شرح مواقف، قاهره، مؤسسه السعادة.
۴. جعفری، یعقوب، (۱۳۹۷)، آیات بینات (تفسیر آیات منتخب تاریخی در قرآن کریم)، قم، نشر معارف، چاپ اول.
۵. جمعی از نویسندگان، (۱۳۶۲)، درآمدی بر جامعه‌شناسی اسلامی، بی‌جا، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۳۸۰)، وسائل الشیعه، قم، دلیل ما.
۷. حسینی همدانی، سید محمد، (۱۴۰۴ق)، انوار درخشان در تفسیر قرآن، تحقیق محمد باقر بهبودی، تهران، کتابفروشی لطفی، چاپ اول.
۸. سید محمد باقر موسوی همدانی، (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
۹. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، (۱۳۹۱)، سلسله مباحث مهدویت ترجمه (منتخب الاثر)، قم، واحد بین الملل دفتر حضرت آیت الله صافی گلپایگانی، چاپ پنجم.
۱۰. طباطبائی، محمد حسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر قرآن الکریم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
۱۱. طوسی، محمد بن حسن، (بی‌تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد قصیر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۱۲. قرائتی، محسن، (۱۳۸۸)، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ سوم.
۱۳. مطهری، مرتضی، (۱۳۶۷)، عدل الهی، قم، درآ، چاپ سوم.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ اول.

۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۶ق)، نفحات القرآن، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ اول.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۸ق)، مختصر الامثل، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ اول.

A Study of the Historical Traditions of the Holy Quran and Their Role in Building a Faith-Based Society

Mohammad Zahedi Moghadam²

Abstract

The Holy Quran is full of historical traditions, the transmission and application of which play a significant role in guiding humans and building a faith-based society. This article, with a descriptive-analytical approach, seeks to answer the question of what is the role of the historical traditions of the Quran in building a faith-based society? The findings of the research show that unity and integrity, avoiding disagreement and conflict, learning from the failures and victories of past societies and history, avoiding rebellion and corruption, observing moral values and standards, hoping to form a government of the righteous, etc. are among the historical traditions of the Quran, the implementation and application of which have a significant impact on guiding humans and building a faith-based society. The use of such traditions guides society in the path of education, creating hope and optimism for the future, encouraging social solidarity, forming religious identity, paying attention to monotheism and resurrection, and practicing moral duties and values, etc. In the shadow of such a society, man can reach the peak of dignity, perfection, goodness, and growth.

Keywords: Holy Quran, Historical traditions, Community building, Faith community, Lesson learning.

² Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Literature and Humanities, Shahrekord University, Shahrekord, Iran.
mzahedi4642@gmail.com.